

## حجاب در ادیان الهی

### مقدمه

مسئله حجاب، یکی از مسائل مهم حوزه زنان است. حجاب یعنی پوششی که وقار و شخصیت و کرامت و عفت زن را تضمین می‌کند و به زندگی او آرامش می‌بخشد و این وجود ارزشمند را از دستبرد ناهالان مصون می‌دارد. حفظ حجاب در عین این که جسم و ظاهر زن را محدود و محصور می‌کند به روح و عقل او آزادی و حریت می‌بخشد و فکر او را از بسیاری از دغدغه‌های مزاحم و وقت‌گیر رها می‌سازد و در عوض، بی‌حجابی و بدحجابی، حقیقت گوهر وجودی زن را در پوشش جاذبه‌های جنسی، پنهان می‌دارد.

آن چه یک زن بی‌حجاب یا بدحجاب به نمایش می‌گذارد زیبایی‌های انحصاری اوست که به محارم او تعلق دارد، اما آن را در معرض دید همگان قرار می‌دهد. به قول چارلی چاپلین: برهنگی و بدحجابی، بیماری قرن معاصر است که در «روح و افکار» افراد «جامعه هدف» رسوخ نموده و آنان را بیمار می‌کند.

زنان در عرصه بهداشت روانی جامعه نقش بزرگی را ایفا می‌کنند. حجاب آنان پرده‌ای سیاه بر چشم هوس‌بازان می‌کشد و خود و جامعه را از آفت و آلودگی نجات می‌دهند و آنان فرصت می‌یابند که سرمایه وجودی و زینت‌های خدادادی خویش را در کانون مقدس خانواده متمرکز کرده و خانواده را که اولین هسته اجتماعی است، با پاکی و طهارت، پایه‌گذاری کنند.

سنگر حجاب، پاسدار گوهر حیا و عفت و حرمت زن است. زن در حجاب به مانند گوهر در صدف می‌باشد؛ همان گونه که گوهر و مروارید تا هنگامی که در صدف قرار دارند آسیب نمی‌بینند، زن نیز با پوشش و حجاب خود، از آزار و اذیت ناپاکان و چشم‌چرانی هوس‌رانان در امان می‌ماند.<sup>۱</sup>

برگرفته از مقالات:

نگار بخشی، شماره اشتراک ۲۴۲۵

عبدالحمید ثامنی، شماره اشتراک ۷۲۵



### تاریخچه، معنا و ابعاد حجاب

حجاب در لغت، به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است، اما استعمال آن بیش‌تر به معنای پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش را می‌دهد که پرده وسیله پوشش است ولی هر پوششی حجاب نیست بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی است و مراد از پوشش اسلامی زن این است که هنگام معاشرت با مردان، بدن و موی سر خود را بپوشاند و به جلوه‌گری، خودنمایی و طنّازی نپردازد. بنابراین حجاب به معنای پوشش بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است.

بعد ایجابی آن، وجوب پوشش مو و بدن و داشتن عفاف و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی و نمایش‌گری زن در برابر نامحرم است؛ به عبارت دیگر این دو بعد مکمل هم هستند و شرط لازم تحقق حجاب اسلامی‌اند.<sup>۲</sup>

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن، حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت از مصادیق حجاب ذهنی است.

علاوه بر این، در قرآن کریم انواع دیگری از حجاب و پوشش نام برده شده است که در رفتار و منش خارجی انسان تجلی می‌کند؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده‌اند: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم؛<sup>۳</sup> ای رسول ما! به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشانند.» «و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن؛<sup>۴</sup> ای رسول! به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه آلوده بپوشانند.»

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض؛<sup>۵</sup> پس زنهار، با مردان نازک و نرم سخن نگوئید، مبادا آن که دلش بیمار (دچار هوا و هوس) است به طمع افتد.»

نوع دیگری از حجاب قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است: «به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند و طوری پای به زمین نزنند که خلخال و زیورهای پنهان پاهایشان و دیگر قسمت‌های بدن معلوم شود.»<sup>۶</sup>

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش زیبایی‌های جسمانی به وسیله لباس و حریم قائل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم است.

به اعتقاد شهید مطهری،<sup>۷</sup> در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آن چه در قانون اسلام آمده، سخت‌تر بوده است. اما در جاهلیت عرب، حجاب وجود نداشته و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است؛ هم‌چنان که از نوشته‌های ویل دورانت، شرق‌شناس معروف، برمی‌آید که حجاب معمول در قوم یهود از حجاب اسلامی بسی سخت‌تر و مشکل‌تر بوده است.<sup>۸</sup>

لغت‌شناسان برای حجاب تعاریف گوناگونی ذکر نموده‌اند. برخی گفته‌اند: «الحجاب کلّ ما حال بین شیئین». عده‌ای نیز این واژه را با دقت بیش‌تری تعریف نموده‌اند: «الحجاب هو الحائل الحاجز المانع عن تلاقی شیئین او اثرهما سواء کانا مادین او معنویین او مختلفین و سواء کان الحاجب مادياً او معنوياً».<sup>۹</sup>

از این تعریف می‌توان فهمید که هر آن‌چه که دو چیز را از هم جدا کند و فاصله بیاندازد، از مصادیق حجاب خواهد بود. البته تعریف‌های دیگری نیز برای حجاب شده است که در آن‌ها نوع این حائل و مانع معلوم شده است: «الحجاب، ستر»<sup>۱۱</sup> و یا به صورتی دقیق‌تر گفته‌اند: «اصل الحجاب، الستر الحائل بین الرأئی و المرئی»<sup>۱۱</sup>. مطابق این تعریف‌ها، حجاب به معنای پرده‌ای است که میان بیننده و آن‌چه می‌خواهد ببیند حائل می‌شود.

پژوهش و بررسی در معجم لغوی حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد:

۱- جدا نمودن دو چیز و مرز نهادن و فاصله انداختن میان آن دو؛ ۲- پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیدگان افراد خارج نمودن.

در ایران باستان نیز حجاب سخت و شدیدی حکمفرما بوده است و حتی پدران و برادران نسبت به زن شوهردار، نامحرم شمرده می‌شده‌اند.

البته عواملی چون ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و روانی را در پیدایش حجاب مطرح می‌کند که از جمله این موارد می‌توان به عدم امنیت و ثبات در اجتماع، بروز کج‌روی‌ها و روابط نامشروع در بستر جامعه، سست شدن بنیان خانواده و شالوده‌شکنی خانواده‌ها و روابط زناشویی و استفاده ابزاری از زنان در عرصه‌های مختلف تبلیغات و سوء استفاده از آنان... اشاره کرد که بی‌تردید برای جلوگیری از چنین پی‌آمدهایی ضرورت پیدایش حجاب مطرح می‌شود.<sup>۱۲</sup>

برگرفته از مقالات:

حمزه نظریور، شماره اشتراک ۱۷۲۵

زهرا فتاحی، شماره اشتراک ۹۲۸۹

حسین احمدی، شماره اشتراک ۱۶۱۴۴

#### مفهوم اصطلاحی حجاب

شهید مطهری(ره) در این باره می‌فرماید: «استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه ستر که به معنای پوشش است، به کار می‌رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه "ستر" را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان‌که گفتیم معنای شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط به حجاب همین معنا را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید آن است... البته در این آیات، لغت حجاب به کار نرفته، اما حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آن که کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته مربوط به زنان پیغمبر اسلام است. سید محمد کاظم طبیبیان، شماره اشتراک ۹۳۱۱



### حجاب از نگاه قرآن

در قرآن کریم و احادیث، برای تعیین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص نام برده شده که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلیباب» است.

قرآن می‌فرماید: «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»<sup>۱۳</sup> و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند». از این آیه استفاده می‌شود که زنان باید سر، سینه و دوش خود را با خمار بیوشانند.

در جایی دیگر می‌فرماید: «یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً»<sup>۱۴</sup> ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را با چادر بیوشانند که این کار برای آن‌ها بهتر است تا این که به عفت و آزادگی شناخته شوند و از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است»

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و اذا سألتهمون متاعاً فسألوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن»<sup>۱۵</sup> هنگامی که از همسران رسول خدا چیزی از وسایل زندگی می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید، این کار دل‌های شما و آن‌ها را پاک‌تر می‌دارد.»

استاد مرتضی مطهری که از روشن‌فکران بنام جهان اسلامی است، می‌نویسد: «بر عکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند حجاب موجب فلج کردن نیمی از اجتماع است، بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن بیش‌تر نیروی اجتماعی است. آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد، بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است»<sup>۱۶</sup>

برگرفته از مقالات:

سیدمنصور طبیبیان، شماره اشتراک ۵۱۴

زینب فتاحی، شماره اشتراک ۲۵۸۲



گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که مسلمانان بعد از نزول آیات حجاب، رویه متفاوتی را پیش گرفتند و به ضرورت ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در چگونگی پوشش زنان پی‌بردند. طبری در تفسیر خود

به نقل از عایشه همسر پیامبر(ص) آورده است: «رحمت خدا بر زنان مهاجر پیش گام باد؛ هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند.»<sup>۱۷</sup>+

سیوطی نیز به سند خود از ام سلمه نقل می‌کند که بعد از نزول آیه «یدنین علیهن من جلابیهن»<sup>۱۷</sup> زنان انصار از منازلشان با پوشش‌های مشکی خارج می‌شدند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسید بر سر ایشان کلاهی نشسته است. وی می‌گوید: وقتی آیه «و لیضربن بخرهن علی جیوبهن»<sup>۱۸</sup> نازل شد و مردان این آیه را در خانه‌ها برای زنان خود خواندند، بعد از آن هر یک از آن زنان با لباس خود، سر و کناره‌های صورتشان را می‌پوشاندند. آنان وقتی صبح پشت سر رسول خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند به گونه‌ای که خیال می‌کردی کلاهی بر سر آن‌ها نشسته است. از آن چه گذشت معلوم می‌شود که برداشت مردم از این آیات، ضرورت تجدیدنظر در چگونگی حضور زنان در اجتماع و بین نامحرمان بود.

فقها و مفسران نیز مفاد این آیات را وجوب پوشش خاص برای زنان در برابر مردان نامحرم دانسته‌اند.

برگرفته از مقالات:

سیدمنصور طبیبیان، شماره اشتراک ۵۱۴

زینب فتاحی، شماره اشتراک ۲۵۸۲



## فلسفه حجاب

حجاب و نوع پوشش هر فرد، نشان‌دهنده طرز تفکر و عقیده و مرام اوست. هر چه شناخت و باور انسان قوی‌تر و عمیق‌تر باشد عقیده و مرام و منش زندگی او پایدارتر است.

حجاب نیز این چنین است؛ یعنی محصول شناخت و باوری است که زن از هستی خود، از مقام و منزلت خود و ارزش و اعتبار خود و چگونگی رشد و کمال خویش دارد. اگر او بدین باور رسیده باشد که با پوشش دادن به خود سیر معنوی شخصی و جامعه خویش را سرعت می‌بخشد، مانعی بر سر راه به وجود نمی‌آورد، چرا که هر کس جاذبه‌های ثروت و شهرت و مقام و یا بدن خود را به چشم دیگران آورد و با این وسیله عقل و چشم و دل دیگران را بریابد، رهزنی کرده و آدمیان را از سیر رشد و فلاح بازداشته و جامعه را به سوی ابتذال و هرزگی کشانده است.

فلسفه حجاب، حفظ ارزش والای زن است و از همین رو خداوند پوشش را بر او واجب کرده و نگاه به بدن و موی سر او را حرام فرموده است. حجاب و پوشش برای بانوان، به ویژه حجاب برتر یعنی چادر، توجه به حریم عفاف و حراست آن، از اصلی‌ترین سنگر زنان و از مهم‌ترین و عمیق‌ترین و سودمندترین قانون الزامی آفرینش برای آن‌ها و جامعه است.

اگر این سنگر آسیب ببیند و یا مورد تهاجم فرهنگی دشمن قرار بگیرد، شرافت و سعادت زن فرو ریخته، در سراسیمی سقوط و انحراف قرار گرفته و موجب آلودگی خود و جامعه خواهد شد.

دین مبین اسلام می‌گوید: کام‌یابی‌های جسمی، مخصوص همسران است و غیر آن، گناه و مایهٔ آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد، زیرا برهنگی زنان، مردان و مخصوصاً جوانان را در یک حالت تحریک دائم قرار می‌دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنان و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمهٔ امراض روانی می‌گردد.

اسلام می‌خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام، اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند و این یکی از فلسفه‌های حجاب است.

نگار بخشی، شمارهٔ اشتراک ۲۴۲۵



### حجاب، ندای فطرت

پوشش و حجاب عقیقانه، ندا و دعوتی است که زن آن را در عمق جان خود احساس می‌کند و کششی است که از درون خود به سمت آن گرایش پیدا می‌کند و از بی‌حجابی و بدحجابی تنفر دارد و از آن‌جا که منشأ امور فطری، آفرینش انسان است و در همگان مساوی می‌باشد، ناگزیر این تمایل فطری زن به پوشش در برابر مردان، امری کلی و همگانی خواهد بود و همهٔ زنان را از ابتدای خلقت تا انقراض عالم دربر دارد، هر چند عواملی مانند: تربیت خوب یا بد، تبلیغات سازنده یا مخرب و محیط سالم یا ناسالم، در شکوفایی و رشد یا ضعف و کاهش آن مؤثر می‌باشد.

نشانهٔ فطری بودن حجاب یکی این است که در کتاب‌های تاریخی و آثار تمدن‌های گوناگون بشری آمده است و دیگر این‌که، حجاب در تمام ادیان الهی وجود داشته است.

زن فطرتاً و از روی طبیعت، به پوشش بدن خود میل دارد و از برهنگی مضطرب می‌شود. آیات قرآن و شواهد فراوانی از نظر روان‌شناسی و زیست‌شناسی وجود دارد که بر فطری بودن پوشش زن دلالت دارد. قرآن کریم در داستان حضرت آدم و حوا، پس از این‌که می‌گوید: آن‌ها فریفتهٔ شیطان شدند و از درخت ممنوعه خوردند، می‌فرماید: «فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوءاتهما و طغفا یخصفان علیهما من ورق الجنة»<sup>۱۹</sup> و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان (زشتی‌های پنهان اندامشان) بر آن‌ها آشکار شد و (به سرعت) شروع به قرار دادن برگ‌های درختان بهشتی بر خود کردند تا آن را بپوشانند.»

این در حالی است که اولاً: آن‌ها همسر یک‌دیگر بودند و جایز بود در مقابل هم برهنه شوند. ثانیاً: هیچ‌کس در آن‌جا نظاره‌گر آن‌ها نبود تا شرمندگی‌شان به دلیل برهنگی باشد. ثالثاً: چون آن‌ها اولین انسان بودند، پوشش برایشان جنبهٔ اکتسابی هم نداشت. بنابراین تنها دلیل اضطراب ایشان از برهنگی، فطری بودن حیا و پوشش در آن‌ها بود.

زیست‌شناسان و روان‌شناسان هم به فطری بودن حیا در زن اذعان دارند. دکتر فخری، فیزیولوژیست مصری در این باره می‌گوید: «اصل و مبدأ احساس حیا، همان احساس حیوانی جنس ماده در مورد مذکر است و به همین جهت می‌بینیم نوع احساس حیا در زنان، از مردان قوی‌تر است.»<sup>۲۰</sup>

وقتی حیا در زن فطری باشد، حجاب و پوشش هم که از آثار و نتایج آن است، فطری خواهد بود.

برگرفته از مقالات:

سکینه رضانی بیدگلی، شماره اشتراک ۱۲۸۳۹

زهرا شیردل داغیانی، شماره اشتراک ۱۳۹۴۹



### حجاب و مسئولیت‌پذیری

هر انسانی در برابر خود و دیگران مسئول است. انجام موفقیت‌آمیز مسئولیت به استعداد و برخورداری از توان‌مندی‌های متناسب و ظرفیت‌های روان‌شناختی و جسمی، بستگی دارد. توفیق در پاره‌ای از مسئولیت‌ها و حتی سپردن برخی از مسئولیت‌ها، به حجاب تکیه دارد و افرادی که بی‌حجابی پیشه می‌کنند، توان انجام آن را ندارند. این گروه ناگزیر باید به خویش بپردازند و - چنان‌که امروزه مشاهده می‌کنیم - چاره‌ای ندارند جز آن که انجام آن مسئولیت‌ها را به دیگران و حتی به مردان بسپارند.

زنانی که در پی دل‌ربایی و جلب نظر دیگرانند و جز عرضهٔ بیکر خود به چیزی نمی‌اندیشند، هرگز نمی‌توانند غم‌خوار هم‌نوع خود باشند، در برابر خانواده و اجتماع احساس مسئولیت کنند و به معنویت خود و اعضای خانواده و جامعه بیندیشند. این افراد، افزون بر آن‌که خود به دلیل ناتوانی یا شانه خالی کردن، از انجام دادن مسئولیت‌های فردی باز می‌مانند، با روحیه و وضعیت بدنی خاص خویش، محیط را آلوده و موقعیت را برای فعالیت مسئولیت‌پذیرانه نامساعد می‌سازند. بر این اساس، بازدهی فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی را کاهش می‌دهند و حتی دقت عمل را دچار اختلال می‌کنند. به عبارت دیگر، این افراد خود ناتوان می‌مانند و دیگران را نیز از انجام دادن تعهدات و مسئولیت‌هایشان باز می‌دارند. تحقیقات گسترده و به ویژه پژوهش‌های میدانی، حاکی از افت تولید و کاهش سطح کیفیت کار در مراکز آلوده به افراد بی‌حجاب است.

اسلام که عاطل و باطل ماندن نیروهای عظیم انسانی و غیرانسانی را نمی‌پسندد، برای رسیدن به موفقیت در انجام تعهدات و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، استعداد و شرایطی را لازم می‌داند که رعایت پوشش خاص یکی از آن‌ها به شمار می‌آید. فرد بی‌حجاب و یا بدحجاب با رعایت نکردن این شرط در واقع از قبول مسئولیت خودداری ورزیده، در پی خواسته‌های خود می‌رود و حتی دیگران را از انجام تعهدهای پذیرفته شده باز می‌دارد. بنابراین، حجاب هرگز به معنای محدود کردن حوزهٔ مسئولیت زن نیست؛ حجاب، شرط موفقیت در انجام دادن مسئولیت‌هاست.

جیران عزیزی، شماره اشتراک ۱۲۷۲۸



## مصونیت در حجاب

مقوله امنیت، یکی از مباحث بسیار مهم است که شالوده هر جامعه سالم بدان استوار است. واژه امنیت را با پسوندهای مختلف بارها شنیده‌ایم؛ امنیت اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، امنیت جانی، امنیت جاده‌ای و... اما امنیت اخلاقی مقوله‌ای است که کم‌تر بدان پرداخته شده است. در خصوص ضرورت امنیت به معنای کلی آن کافی به نظر می‌رسد که بدانیم حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «دو نعمت در بین مردم مجهول است: یکی، امنیت و دیگری، سلامتی».<sup>۲۱</sup>

دلایل لزوم امنیت اخلاقی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد مذاقه قرار داد؛ از جمله علوم اسلامی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و... لکن در این جا به سه منظر اشاره می‌کنیم.

۱- از منظر علوم اسلامی: از دیدگاه اسلام، ازدواج به موقع، سلامت انعقاد نطفه، تربیت صحیح فرزندان، سلامت همه جانبه کانون خانواده، سلامت روانی در روابط میان فردی، احساس واقعی لذت از زندگی و... همه و همه مرهون امنیت اخلاقی در جامعه است. با برقراری امنیت اخلاقی، بسیاری از مشکلات روحی و روانی و تعاملی جوامع قابل حل خواهد بود.

۲- از منظر جرم‌شناسی: ماهیت علم جرم‌شناسی، شناسایی انگیزه‌های مستقیم و غیرمستقیم ارتکاب جرم در جامعه است. امنیت اخلاقی می‌تواند زمینه بسیاری از جرائم اجتماعی را کاهش دهد. حتی اگر بی‌حجابی و فساد اخلاقی را جرم ندانیم (که چنین نیست) می‌توان ریشه بسیاری از جرم‌ها را در فقدان امنیت اخلاقی جست‌وجو نمود.

۳- از منظر روان‌شناسان: از این منظر نیز فقط به یک موضوع اشاره می‌شود. به طور مختصر باید گفت که از دیدگاه روان‌شناسی، فشارهای روانی و استرس‌ها مردم جوامع را تهدید می‌کند که منجر به مشکلات خاص رفتاری و روانی شده و سلامت روانی افراد را دچار مخاطره می‌کند. این فشارها به دو دسته تقسیم می‌شود: نوع اول، عینی و نوع دوم، ذهنی می‌باشد.

فشارهای نوع اول، فشارهایی است که خارجی، عینی و محسوس است؛ مانند فشار روانی بر اثر مشاجره با همسر.

فشارهای نوع دوم، فشارهایی است که از تصورات ذهنی و بر مبنای نوع شناخت فرد از موقعیت‌های خارجی به وجود می‌آید؛ مانند این که زنی تصور کند برای شوهرش جذابیت ندارد.

مصطفی جعفری، شماره اشتراک ۵۱۴۹



## پوشش، وسیله امنیت

پوشش کامل، نشانه حیا و ایمان یک زن است. قرآن نیز به همین انگیزه و هدف، پوشیدن «جلباب» را توصیه می‌کند و آن را علامت پاک‌دامنی و عفت می‌داند، زیرا پوشاندن تمام بدن به شناساندن چنین زنانی به



عنوان اهل حجاب و عفت و صلاح و تقوا کمک می‌کند، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند و اهل فسق و فجور هم برای آنان مزاحمت ایجاد نمی‌کنند.<sup>۲۲</sup>

زمان و موقعیت اجتماعی نزول آیه نیز همین معنا را تأیید می‌کند، زیرا در دوران جاهلیت و ابتدای بعثت، کنیزان و زنان اهل کتاب بدون پوشش سر و گردن از منزل بیرون می‌رفتند و برخی از افراد هرزه و بی‌بند و بار، مزاحم آن‌ها می‌شدند. اگر زنانی که تازه مسلمان شده بودند، با همان رسم و بدون رعایت پوشش کامل رفت و آمد می‌کردند، چه بسا از شر مزاحمان فاسد احساس امنیت نمی‌کردند. از این رو خداوند دستور می‌دهد زنان مؤمن باید به طور کامل حجاب را رعایت کنند تا در جامعه به عنوان زن و مؤمن پاک‌دامن شناخته شوند و همانند زنان بی‌عفاف اهل کتاب و کنیزان بی‌تعهد، مورد آزار و نگاه‌های خائنانه مردان بیگانه قرار نگیرند و بهانه‌ای به دست مزاحمان اهل فسق ندهند.<sup>۲۳</sup>

پوشش اسلامی، زن را در سنگری غیرقابل نفوذ و دور از دسترس نگاه و هوس بیگانگان قرار می‌دهد و از اضطراب نگاه می‌دارد. مقام معظم رهبری (دام‌الله‌العالی) در این باره می‌فرماید: «پای‌بندی بانوان به حجاب، آنان را در رسیدن به مدارج عالی معنوی کمک می‌کند و از سقوط در پرت‌گاه‌هایی که در سر راه آنان قرار دارد مانع می‌شود. هیچ بحثی درباره پوشش زن، نباید متأثر از هجوم تبلیغاتی غرب باشد. البته حجاب زنان به چادر منحصر نمی‌شود اما چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ملی ماست و هیچ منافاتی با فعالیت‌های زنان مسلمان در مسائل اجتماعی و فرهنگی ندارد.»<sup>۲۴</sup>

#### تفاوت میان پوشش زنان و مردان

انسان در مقابل هر نعمت و موهبتی که از جانب خدا به او می‌رسد وظیفه دارد آن را حفظ کند و در جهت رشد و کمال خود از آن بهره‌برداری نماید.

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و همین نعمت را پشتوانه مهمی برای وابستگی مرد به زن و تحکیم خانواده قرار داده است. زن به شکرانه این نعمت، اولاً؛ باید در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد؛ ثانیاً؛ از این نعمت برای رشد و کمال خود و خانواده بهره‌برد و مصلحت جامعه را که همان تحکیم بنیان خانواده باشد، در نظر بگیرد. پوشش زنان، بنا به فرموده قرآن، نه تنها آزادی و حضور مؤثر آنان را در جامعه سلب نمی‌کند بلکه فعالیت‌های مؤثر، مفید و بدون زیان آنان را ممکن می‌سازد، سلامت اخلاقی جامعه را بالا می‌برد، حریم و حرمت زن را حفظ می‌کند و آرامش روانی او را افزایش می‌دهد.

اعظم گلی، شماره اشتراک ۱۳۴۴۲



#### آیا حجاب محبوس کردن زن است؟

شاید تصور شود حجاب باعث سلب آزادی زن‌ها می‌شود، در حالی که در اسلام حبس و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام وظیفه‌ای است که بر عهده زن گذاشته شده است تا در معاشرت و برخورد با مرد

کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه از ناحیهٔ مرد بر او تحمیل نشده و با کرامت زن منافات ندارد و خللی به حقوق طبیعی او که توسط خداوند تعیین شده است، وارد نمی‌آید.

شرافت زن اقتضا می‌کند هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و سنگین و باوقار باشد و در طرز رفتار و لباس پوشیدن هیچ‌گونه عملی انجام ندهد که باعث تهییج و تحریک مردان شود. البته مسئلهٔ مهم پوشیدگی در اسلام به دلیل قوام بنیاد خانواده نیز هست و مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی او باشد.

البته مردان هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهند نه بیش‌تر. گاهی ممکن است رفتن زن به خانهٔ اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد و گاهی اوقات رفتن زن به خانه مادر هم برخلاف مصلحت خانوادگی باشد؛ یعنی ارتباط با آن‌ها باعث به هم خوردن روابط زناشویی خانواده شود. در چنین مواردی شوهر حق دارد از معاشرت همسرش با آنان پرهیز نماید.

سیده سحر طیبیان، شمارهٔ اشتراک ۵۲۴۵



### رضاخان و کشف حجاب زنان

ایران در زمان سلسلهٔ قاجاریه فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و به یک کشور بحران‌زده و جنگ‌زده تبدیل شده بود. به خصوص مقارن با سلطنت احمد شاه، که فردی بی‌لیاقت و بی‌کفایت بود، هرج و مرج و آشوب تمام مملکت را فرا گرفته بود، که این هم از سیاست‌های مودیانۀ استعمار انگلیس بود.

استعمار انگلیس برای اجرای نقشه‌های خود به کسی یا کسانی نیاز داشت که دارای خصوصیات ویژه‌ای باشد که بتواند نقشه‌های آن‌ها را مو به مو اجرا کند. این شخص باید فردی بی‌محتوا و خالی از تربیت دینی و ملی بوده و در عین بی‌سوادی و ناآگاهی، سری پر باد و روحی متکبرانه و قلدر مآبانه و جاه‌طلب و خالی از شرافت و جوان‌مردی و پر از ریاکاری و نفاق و دروغ‌پردازی داشته و بیگانه‌پرست و منفعل در مقابل مظاهر تمدن غرب، اسیر عقدهٔ حقارت درون، کینه‌توز و حسود... باشد. برای اجرای مقاصد شوم انگلیس، مهره‌ای بهتر از رضاخان نبود.

پس از به قدرت رسیدن رضاخان و آغاز دورهٔ سیاه دیکتاتوری پهلوی، روند بی‌حجابی و تغییر لباس با پی‌گیری زیاد و نقشه‌های حساب شده به جلو رفت و استعمارگران پله پله به مقاصدشان می‌رسیدند. با تبلیغات وسیع و همه‌جانبه و با انواع و اقسام دسیسه‌ها زن را از پشت پردهٔ حجاب به محیط اجتماع، سینماها، تئاتر، پارک‌ها، مجالس جشن، انجمن‌های دفاع از زنان و... کشاندند. ارزش‌ها و هویت زن ایرانی را یکی پس از دیگری به حراج گذاشتند و او را از خانه جدا کرده و به بازار کار و کارخانه سوق دادند.

نقشهٔ استعمار بسیار دقیق و حساب شده بود. از تمام نقاط ضعف و کاستی‌ها به بهترین وجه به نفع مقاصد خویش استفاده می‌کرد. مدافعان کشف حجاب برای افکار سازی در جامعه از شگردهای مختلفی استفاده

می‌نمودند و متأسفانه به دلیل به حاشیه رفتن تعالیم دین و مبارزه بی‌امان و سرکوب روحانیت به وسیله رضاخان، دست استعمارگران برای به سخره گرفتن و شبهه انداختن در مسائل اسلامی باز بود. برای زمینه‌سازی کشف حجاب پیشگامان و مدافعان این مسئله، به لزوم حضور زن در جامعه اشاره داشتند و همواره به برخی از ناهنجاری‌های جامعه در برخورد با زنان اشاره می‌کردند.

رضاخان که متعهد به اجرای سیاست‌های استعمار بود، در مدتی کوتاه پس از تاج‌گذاری شروع به حمایت و گسترش کانون‌ها و انجمن‌های بانوان کرد. در سال ۱۳۱۴ کانونی به نام کانون بانوان تأسیس کرد و ریاست آن را بر عهده صدیقه دولت‌آبادی، یکی از غرب دوستان مشهور، قرار داد.

دولت‌آبادی از جمله زنانی بود که چند سال قبل از کشف حجاب رسمی، بی‌حجاب از خانه خارج شد. در وصیت‌نامه دولت‌آبادی آمده است: در مراسم تشییع جنازه‌ام حتی یک زن با حجاب شرکت نکند. زنانی را که با چادر بر سر مزار من بیایند هرگز نمی‌بخشم.

رسالت این کانون که تحت حمایت و هدایت دولت بود، گسترش فرهنگ بی‌حجابی بود.

رضوان حاجی شرفی، شماره اشتراک ۱۲۷۴



## حجاب و قرن ۲۱

آلوده شدن زنان جامعه ما و بسیاری از جوامع اسلامی به انواع فسادها و خودآرایی‌ها، با وجود تأکید اسلام به پوشش زنان، نتیجه سرمایه‌گذاری‌های غرب در امور فرهنگی کشورهای جهان سوم است و البته این امر ریشه در راهبردهای استعماری آن‌ها، هم در بُعد سیاسی و هم در بُعد اقتصادی دارد.

در بُعد سیاسی، به وسیله آلوده کردن جوامع هدف به تمایلات شهوانی و مشغول کردن آن‌ها به هواس‌رانی‌ها، سیاست‌های بلند مدت خود را پیاده‌سازی می‌کنند. در واقع سیاست‌گذاری‌های غرب، در جوامع هدف، عامل تخدیرکننده کشورهای مورد نظر است. بدین ترتیب که با مشغول کردن آن‌ها به امور خاص و پست (که فساد و بی‌بند و باری یکی از آن‌هاست)، تفکر و تأمل را در برابر سیاست‌های غرب از آنان می‌گیرد تا دیگر زمانی برای اندیشیدن در امور مهم‌تر باقی نماند. آن‌گاه خود از این فرصت استفاده کرده و به غارت و چپاول مشغول می‌شوند، بدون آن که کسی به آن‌ها اعتراضی کند. متأسفانه باید گفت که غرب در این سیاست‌گذاری خود، در بسیاری از کشورهای عربی به اصطلاح مسلمان، موفق بوده است، تا آن‌جا که بعضی از این کشورها، مأمّن بی‌بند و بارها از تمام دنیا هستند.

و اما راهبرد غرب در بُعد اقتصادی، با تولید انبوه وسایل و لوازم مصرفی از قبیل لوازم آرایش و دیگر لوازم لوکس و غیر ضروری و تبدیل کردن کشورهای جهان سوم به بازار مصرف این مواد، ثروت‌های هنگفتی به دست می‌آورند.

سکینه رضوانی بیدگلی، شماره اشتراک ۱۲۸۳۹



## فواید حجاب و عفاف

حجاب دارای آثار و فوایدی است که در این جا به چند مورد به طور اختصار اشاره می‌کنیم:

- ۱ - حفظ نفس: حجاب موجب کنترل و حفظ نفس از بدی‌ها می‌شود. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «پاک‌دامنی، نفس را حفظ می‌کند و از پستی‌ها دور می‌کند.»<sup>۲۵</sup>
- ۲ - عزت و سربلندی: انسان عفیف و پاکدامن، در سایه حجاب، عزت پیدا می‌کند.
- ۳ - سلامت جامعه: سلامت جامعه را افراد تشکیل می‌دهند. اگر این افراد، صالح و شایسته و عفیف باشند، بالطبع سلامت جامعه را بالا می‌برند و آن را از آسیب مصون نگه می‌دارند.
- ۴ - پاک‌ی اعمال: یکی دیگر از آثار و فواید حجاب، پاک‌ی اعمال است. فردی که پاک است، حرام و حلال و اوامر و نواهی الهی را رعایت می‌کند.
- ۵ - قدر و منزلت الهی: فردی که با حجاب است در نزد خدا منزلت دارد، چرا که می‌داند ارتباط با خدا فقط در سایه حجاب و عفاف است. امام علی(ع) فرمودند: «کسی که عفت داشته باشد، گناهانش سبک می‌شود.»<sup>۲۶</sup>
- ۶ - فرونشاندن آتش شهوت: فرد با حجاب، شهوت‌ران نیست. او با این کار در مقابل شهوت‌رانان می‌ایستد و خود و جامعه را سلامت نگه می‌دارد و برای فرد و جامعه خصوصاً خانواده و ازدواج، ارزش قائل است. امام علی(ع) فرمودند: «حجاب و عفاف، شهوت را کاهش می‌دهد.»<sup>۲۷</sup>
- ۷ - قناعت: قناعت، یکی دیگر از آثار رعایت حجاب است. فرد با حجاب، قانع است و زیاده‌خواه و بی‌بند و بار نیست.
- ۸ - استحکام بنیان خانواده: حجاب و عفاف موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود و بی‌عفتی باعث تزلزل آن می‌گردد. بیش‌تر طلاق‌ها و جدایی‌ها، از عدم رعایت حجاب و عفاف است. خانواده‌های با عفت کم‌تر دچار این‌گونه مشکلات هستند.

یوسف ابراهیمی، شماره اشتراک ۱۲۴۶۷

## علل و عوامل بدحجابی

گوهر شرم و حیا در صدف وجود زن نهفته است، لذا زنان نباید از جسم و ظاهر جسمانی خود به عنوان کالایی شهوت‌انگیز استفاده کنند و چشم‌های هرزه و ناپاک را به خود متوجه نمایند. این‌که می‌بینیم عده‌ای از زنان شخصیت انسانی خود را متزلزل نموده و جسم خود را به گونه‌ای شهوت‌انگیز در معرض دید دیگران قرار می‌دهند، علل و عوامل مختلفی دارد، از جمله:

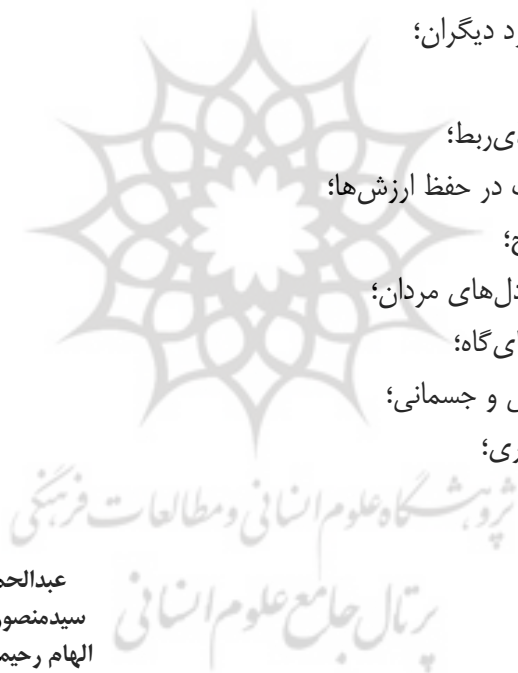
۱ - پیروی از هوا و هوس‌های نفسانی؛

۲ - تهاجم فرهنگی؛

۳ - بی‌حیایی و بی‌عفتی؛

۴ - تبلیغات دشمنان اسلام؛

- ۵ - پیروی از شیطان و شیطان پرستی؛
- ۶ - غفلت و نادانی؛
- ۷ - ضعف ایمان و واقع نگری؛
- ۸ - ضعف غیرت مردان؛
- ۹ - بی توجهی و غفلت خانواده‌ها؛
- ۱۰ - سرکوب شدن عزت نفس؛
- ۱۱ - کبر و غرور؛
- ۱۲ - تقلیدهای کورکورانه؛
- ۱۳ - مدپرستی و اظهار غنا و تمکن مالی؛
- ۱۴ - عُقدۀ حقارت؛
- ۱۵ - زیبا جلوه دادن خود نزد دیگران؛
- ۱۶ - دوستی‌های نامطمئن؛
- ۱۷ - عملکرد دستگاه‌های ذی ربط؛
- ۱۸ - عدم احساس مسئولیت در حفظ ارزش‌ها؛
- ۱۹ - عدم موفقیت در ازدواج؛
- ۲۰ - خودنمایی برای صید دل‌های مردان؛
- ۲۱ - جلب توجه و کسب جای گاه؛
- ۲۲ - ارضای تمایلات جنسی و جسمانی؛
- ۲۳ - مردم آزاری یا دگر آزاری؛
- ۲۴ - انتقام گرفتن.



برگرفته از مقالات:

- عبدالحمید ثامنی، شماره اشتراک ۷۲۵  
 سیدمنصور طبیبیان، شماره اشتراک ۵۱۴  
 الهام رحیمی نژاد، شماره اشتراک ۱۵۲۳۲  
 لیدا یوسفی، شماره اشتراک ۸۵۲۶



#### نتیجۀ بحث

حجاب، لباس شرافت، منزلت و شخصیت و وقار و عفت زن مسلمان است. او با حجاب خود پرچم‌دار دین و مکتب و مرام و عقیده خود است و عملاً عبودیت و فرمان برداری خویش را از خداوند تبارک و تعالی به نمایش می‌گذارد و سر بر فرمان امر مطاعش می‌ساید.

امروز ما در مقطع حساسی از تاریخ بشر عمر خود را سپری می‌کنیم. اگر ذکاوت و هوش‌یاری لازم را نداشته باشیم در دام تبلیغات و تهاجم فرهنگی استکبار می‌افتیم و خیلی زود از ارزش‌های متعالی دین خود فاصله می‌گیریم، زیرا دشمن به صورت حساب شده و جذاب و تقریباً جوان‌پسند تبلیغات می‌کند و متأسفانه عرف جامعه نیز با این تبلیغات کنار آمده و تقریباً بدحجابی، مقبول گردیده است. در این میانه مؤمنان و متدینان باید زیرک باشند که حلال و حرام مسائل را خوب تشخیص بدهند و قدم در جاده حرام و ابتذال و بدحجابی نگذارند و بدانند که سرانجام حرامیان، آتش دوزخ است.

قطعاً گسترش بدحجابی محصول یک یا دو سال اخیر نیست بلکه این پدیده از سال‌ها قبل با تبلیغات غربی‌ها آغاز شده و به تدریج رشد کرده تا این که به وضعیت کنونی رسیده است.

بدحجابی، زمینه و بستر بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل طلاق، سلب مصونیت و امنیت زنان و بی‌ارزش شدن منزلت و جای‌گاه آنان را فراهم می‌آورد و در چنین وضعیتی اولین کسانی که متضرر می‌شوند خود زنان هستند.

برگرفته از مقالات:

نگار بخشی، شماره اشتراک ۲۴۲۵

زهرا فتاحی، شماره اشتراک ۹۲۸۹

\*\*\*

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. اشاره به آیه ۵۹ سوره احزاب است: «ذلک ادنی ان يعرفن فلا یؤذین».
۲. حمیدرضا حاتمی، نگاه (روانی-اجتماعی) اسلامی به مسئله حجاب و بدحجابی، ص ۲.
۳. نور (۲۴) آیه ۳۰.
۴. همان، آیه ۳۱.
۵. احزاب (۳۳) آیه ۳۲.
۶. نور (۲۴) آیه ۳۱.
۷. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱.
۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰.
۹. حسن مصطفوی، التّحقیق فی کلمات القرآن، ج ۲، ص ۱۶۷.
۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸.
۱۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴.
۱۲. حمیدرضا حاتمی، نگاه (روانی-اجتماعی) اسلامی به مسئله حجاب و بدحجابی، ص ۳.
۱۳. نور (۲۴) آیه ۳۱.
۱۴. احزاب (۳۳) آیه ۵۹.
۱۵. همان، آیه ۵۳.
۱۶. سیدرضا حسینی، هشدارهای استاد مطهری، ص ۳۹.
۱۷. احزاب (۳۳) آیه ۵۹.

- 
- ۱۸ . نور (۲۴) آیه ۳۱.  
۱۹ . اعراف (۷) آیه ۲۲.  
۲۰ . به نقل از: علی محمد آشنایی، حجاب در ادیان الهی، ص ۲۶.  
۲۱ . نهج البلاغه.  
۲۲ . ترجمه المیزان، ج ۶ ص ۵۱۰، با اندکی تغییر.  
۲۳ . تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۷.  
۲۴ . روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۶۴۲، ص ۳، پنجم دی ماه ۱۳۷۰.  
۲۵ . غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۰۴.  
۲۶ . همان، ج ۲، ص ۲۰۱.  
۲۷ . همان، ج ۱، ص ۱۱۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی